

ذیان عربی

- ۱۵- گزینه «۳» - در این گزینه «لام» جازمه و به معنای «باید» است، اما در سایر گزینه‌ها «لام» ناصبه و به معنای «تا، این که» است؛ ترجمه گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: همه دانشآموزان در سالن حاضر شدند تا در امتحان شرکت کنند.
- گزینه «۲»: نهنگ شکار می‌شود تا روغنش خارج شود.
- گزینه «۳»: طبیعت زیباست ما پاید از آن محافظت کنیم.
- گزینه «۴»: ... تا دیگران از آنها بخورند.
- (سراسری) (باشد - قواعد) (متوسط)
- ۱۶- گزینه «۲» - در این گزینه اسم تفضیل ← اکابر (اکبر) و اسم مکان ← مکتبه آمده است. (سراسری) (باشد - قواعد) (متوسط)
- ۱۷- گزینه «۳» - در این گزینه «ن» و قایه آمده: ترشد + ن + ی (سراسری) (باشد - قواعد) (اسان)
- ۱۸- گزینه «۳» - صورت سوال از ما گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن مفعول مطلق تأکیدی آمده: تضییعاً که در گزینه «۳» «مفعول مطلق تأکیدی آمده: تضییعاً» (سراسری) (باشد - قواعد) (متوسط)
- ۱۹- گزینه «۲» - در جای خالی اول، با توجه به «الساعه» که مؤنث است، «الثانیة عشرة» می‌اید و در جای خالی دوم نیز با توجه به این که گفته شده یکشنبه حرکت کردیم و سفرمان سه روز طول کشید، پس «الأربعاء: چهارشنبه» درست است. (سراسری) (باشد - قواعد) (دشوار)
- ۲۰- گزینه «۲» - در این گزینه «مستثنی منه» محدود است و «كل» مفعول فعل «لم يخلق» است، اما در سایر گزینه‌ها به ترتیب مستثنی منه ذکر شده: شیء / أحد / اکثر انسان. (سراسری) (باشد - قواعد) (دشوار)

- ۱- گزینه «۳» - ما یقۇم: آنچه را در قومی هست (رد سایر گزینه‌ها) / حتی یغىروا: تا تغییر دهند (رد گزینه‌های «۲» و «۴») / ما بائنسەم: آنچه را در خودشان هست (رد سایر گزینه‌ها) (سراسری) (باشد - ترجمه) (متوسط)
- ۲- گزینه «۴» - قد تکره امرا: گاهی کاری را تابستاند می‌شماری (رد گزینه‌های «۱» و «۲») / جعله خیراً لک: آن را برای تو خیر قرار داده (رد سایر گزینه‌ها) / قد تحبت: گاهی دوست داری (رد گزینه‌های «۱» و «۲») / جعله شرًا لک: آن را برای تو شر قرار داده (رد سایر گزینه‌ها) (سراسری) (باشد - ترجمه) (اسان)
- ۳- گزینه «۴» - هناك: وجود دارند (رد سایر گزینه‌ها) / تینى اعشاشە: آشیانەهای خود را می‌سازند (رد گزینه «۲») / على جيال ارتقاھا اكتر من ألقى مۇ: بر كوهه‌های که ارتقاع آن‌ها بيش از دو هزار متر است (رد گزینه‌های «۱» و «۲») / تىقىز اخچە: جوجەھايشان را پرتاب می‌کنند (رد گزینه «۱») / لىتعلەم الطېران: تا پرواز را ياد بىگىرن (رد گزینه «۳») (سراسری) (باشد - قواعد) (دوشوار)
- ۴- گزینه «۲» - إلينسان الدى يجدع: انسانی که می‌اید (رد سایر گزینه‌ها) / ستصبح قدرته ... أكتە: نېرىۋىش ... بېش تر خواهد شد (رد گزینه‌های «۱» و «۴») (سراسری) (باشد - ترجمه) (متوسط)
- ۵- گزینه «۱» - الحيوانات الصحراوية والطير: حیوانات صحرایی و پرندگان (رد گزینه‌های «۳» و «۴») / قد ساعدت: كىك كرده است (رد گزینه‌های «۲» و «۴») (سراسری) (باشد - ترجمه) (دوشوار)
- ۶- گزینه «۲» - بىرسى سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: ... که آنچه را دوست دارد به ما بدهد. / گزینه «۳»: هرکس يك زىدىگى آرام بخواهد قىلما با دىگر ان ھمىسىتى مى كند. / گزینه «۴»: تعدادى از پۇوهشىگان درباره زىدىگى دلginەنها با تعجب از كىك كردنشان به انسان تحقيق كردىن.
- (سراسری) (باشد - ترجمه) (متوسط)
- ۷- گزینه «۳» - بىرسى سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: هرگاه مقتدر نباشى / گزینه «۲»: او قطعاً نافرمانى مى كند، درحالى كه تو مأيوس هستى. / گزینه «۴»: نهنگ صيد مى شود. (سراسری) (ترکىيى - ترجمه) (متوسط)
- ۸- گزینه «۱» - هرکس: من (رد گزینه‌های «۳» و «۴») / قبل از سخن گفتىن: قبل الكلام (رد گزینه‌های «۲» و «۳») / بىانىشىد: يېڭىر (رد گزینه‌های «۲» و «۴») / خطأ: الخطأ (رد گزینه‌های «۳» و «۴») / ايمن مى گردد: يىسلم، سلم (رد گزینه‌های «۳» و «۴») (سراسری) (باشد - قواعد) (دوشوار)
- ۹- گزینه «۳» - ترجمه صورت سوال: «اگر صير كردن تلخ باشد، عاقبتش شيرين است». اين عبارت و سه گزينه دىگر به مفهوم پيان خوش صير كردن اشاره مى كند، اما بيت گزينه «۳» اين مفهوم را نمى رساند. (سراسری) (باشد - قواعد) (دوشوار)
- ۱۰- گزینه «۲» - بىرسى سایر گزینه‌ها:
- گزينه «۱»: مزيد ثلاثىي ← مجرد ثلاثىي / گزينه «۳»: اسم فاعل ← مصدر / گزينه «۴»: مزيد ثلاثىي ← مجرد ثلاثىي (سراسری) (باشد - ترجمه) (متوسط)
- ۱۱- گزينه «۳» - بىرسى سایر گزينه‌ها:
- گزينه «۱»: من باب تفعيل ← من باب تفعيل / گزينه «۲»: مزيد ثلاثىي ← مجرد ثلاثىي / گزينه «۴»: من فعل مزيد ثلاثىي ← نىست (سراسری) (باشد - قواعد) (دوشوار)
- ۱۲- گزينه «۴»: بىرسى سایر گزينه‌ها:
- گزينه «۱»: مبتدأ ← فاعل / گزينه «۲»: اسم مبالغه ← نىست / گزينه «۳»: لازم ← متعد (سراسری) (باشد - ترجمه) (متوسط)
- ۱۳- گزينه «۱»: عالم ← عالم / عابد ← عابد (سراسری) (ترکىيى - حرڪتگنارى) (دوشوار)
- ۱۴- گزينه «۲» - ترجمه گزينه‌ها:
- گزينه «۱»: دارخانه‌دار، مکانی که بيماران برای خريدين داروها به آن جا مى روند (نادرست). گزينه «۲»: كولو: وسیله‌ای برای سرد کردن و پاک کردن هوا در فصل تابستان است. گزينه «۳»: قطعه‌های زمین: قطعه‌هایی از ابر که در زمستان از آن باران پايین مى آيد (نادرست). گزينه «۴»: كارت پستال: هنگام سفر با اتوبوس یا قطار یا هواپيما به آن نياز داريم (نادرست). (سراسری) (باشد - قواعد) (متوسط)